

تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری معوقات بانکی و راهکارهای پیش‌رو

سعید رسولی^۱

مجتبی مجیدی^۲

چکیده

نسبت مطالبات غیر جاری به کل مانده‌ی مصارف در بانک‌های ایران حدود سه تا چهار برابر استانداردهای جهانی است و حجم فعلی معوقات بانکی باعث بلوکه شدن ۲۰٪ نقدینگی کشور گردیده است. بالا رفتن میزان مطالبات معوق دارای عواقبی از قبیل کاهش ارزش پول ملی، کاهش اعتماد به سیستم بانکی، قفل شدن منابع پولی، کاهش ظرفیت اعتباری بانک‌ها و ضایع شدن حقوق صاحبان سهام خواهد شد. با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت در حال حاضر نظام بانکداری کشور با معضلی جدی در این زمینه روبه‌رو است و لزوم جلوگیری از پیشرفت وضعیت فعلی، خروج از آن و ریشه‌یابی دلایل شکل‌گیری آن برای پیشگیری از وقوع مجدد بسیار ضروری است. در این مقاله با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مشاهدات میدانی به دسته‌بندی دلایل ایجاد مطالبات غیر جاری در بانک‌ها پرداخته می‌شود. نتایج حاصل بیانگر این است که دلیل عمده شکل‌گیری وضعیت کنونی، انحراف‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های اشتباه و همچنین نبود سازوکارهای قانونی مناسب است.

واژگان کلیدی: مطالبات معوق - سیستم بانکی - سازمان بازرسی کل کشور - تسهیلات بانکی

۱ - کارشناس اداره کل بازرسی استان همدان - S.rasouli@ut.ac.ir

۲ - بازرسیار گروه بانک و بیمه بازرسی کل استان همدان، نویسنده مسئول - M.majidy62@gmail.com

مقدمه

طبق گزارش سازمان حسابرسی، رقم مطالبات معوق^۱ بانکی از محل اصل و سود مطالبات در حال حاضر به مبلغ ۹۳۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. هرچند آمار و اطلاعات ارایه شده توسط مراجع دیگر بیانگر ارقام بسیار بالاتر نیز می‌باشد. با این وضعیت و با توجه به توان فعلی نقدینگی کشور می‌توان گفت معوقات بانکی باعث بلوکه شدن ۲۰٪ نقدینگی کشور گردیده‌اند که این امر به معنای کاهش توان سیستم بانکی در انجام وظیفه ذاتی خود یعنی ارایه تسهیلات جدید به بخش تولید و اعطای تسهیلات خرد به اقشار نیازمند است. طبق آمار موجود، مطالباتی که در سرفصل غیرجاری قرار دارند حدود ۱۴ الی ۱۵ درصد کل مطالبات بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. البته این نسبت بدون احتساب مطالبات معوقی است که به‌وسیله امهال یا تمدید تسهیلات از سرفصل غیرجاری خارج شده‌اند و در صورت احتساب این بخش، این نسبت افزایش خواهد یافت. با این وجود و با استناد به آمار فعلی نیز، نسبت میزان مطالبات غیرجاری به کل مطالبات سه تا چهار برابر استانداردهای جهانی است. براساس استانداردهای بین‌المللی نسبت مطالبات غیرجاری بالای ۵٪ پرخطر محسوب می‌شود. بالا رفتن میزان مطالبات معوق دارای عواقبی از قبیل کاهش ارزش پول ملی، کاهش اعتماد به سیستم بانکی، قفل شدن منابع پولی، کاهش ظرفیت اعتباری بانک‌ها و ضایع شدن حقوق صاحبان سهام خواهد بود. جنبه اصلی موضوع متوجه بانک‌های دولتی است که به‌طور عمده از محل بودجه عمومی و بیت‌المال اقدام به پرداخت تسهیلات می‌نمایند و بالا رفتن میزان مطالبات معوق به معنای اتلاف بیت‌المال و سوءاستفاده از آن است. از طرفی حدود ۹۰٪ دارایی بانک‌ها از محل سپرده‌گذاری مشتریان تأمین می‌گردد که این سپرده‌گذاران هیچ نقشی در تصمیم‌گیری بانک‌ها نداشته و با اعتماد کامل سپرده‌گذاری نموده‌اند؛ لذا بالا رفتن میزان معوقات بانکی به معنای تضییع حقوق سپرده‌گذاران نیز می‌باشد. بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌گران بین سپرده‌گذاران و نیازمندان به وجوه، نقش مهم بازتوزیع و تخصیص پول به‌عنوان یک نهادی اساسی تولیدی را بر عهده دارند؛ بنابراین حتی کوچک‌ترین انحراف و کج‌رفتاری در ایفای این وظیفه موجب پیامدهای گسترده‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد شد. لذا با عنایت به مطالب ذکر شده و با توجه به انحراف موجود از استاندارد مطالبات غیرجاری؛ می‌توان نتیجه گرفت در حال حاضر وضعیت مطالبات معوق در نظام بانکداری کشور تبدیل به معضلی جدی شده است و با عنایت به این که بسیاری از بحران‌های فراگیر اقتصادی در جهان از مؤسسات مالی و بانک‌ها آغاز شده است، لزوم جلوگیری از

۱ - طبق بخشنامه بانک مرکزی تسهیلات معوق شامل اصل و سود تسهیلاتی است که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از سررسید یا تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده و مشتری اقدامی در خصوص بازپرداخت بدهی خود نکرده است. در این صورت مجموع اقساط سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود. تسهیلات مشکوک الوصول: تمامی اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید یا تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده است و مشتری اقدامی در خصوص بازپرداخت بدهی خود نکرده است.

پیشرفت وضعیت فعلی، خروج از آن و ریشه‌یابی دلایل شکل‌گیری، برای پیشگیری از وقوع مجدد بسیار ضروری است. در این زمینه دو راهبرد اساسی مورد توجه است، اولاً تلاش و اهتمام جدی برای وصول مطالبات غیرجاری فعلی و کاهش این دسته از مطالبات، ثانیاً بررسی دلایل شکل‌گیری وضعیت کنونی در راستای رسیدن به راهکاری برای جلوگیری از بروز مجدد. در واقع اگر بدون توجه به اقدامات ریشه‌ای و پیشگیرانه فقط در راستای وصول مطالبات معوق فعلی اقدام شود، بی‌شک پس از گذشت چندین سال مجدداً همین وضعیت شکل گرفته و تکرار این دور باطل نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و منابع در بر نخواهد داشت. از این‌رو توجه جدی به علل شکل‌گیری مطالبات معوق و تلاش برای رفع آن‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. با عنایت به جایگاه حساس سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان عالی‌ترین نهاد ناظر بر حسن جریان امور در دستگاه‌های دولتی، وظیفه سنگینی درخصوص مقابله با شکل‌گیری و انباشت مطالبات معوق به‌ویژه در بانک‌های دولتی بر عهده این سازمان قرار دارد. بی‌شک ورود جدی و بدون ملاحظه سازمان بازرسی به موضوع مطالبات معوق نقش مؤثری در حل معضل ایجاد شده خواهد داشت. در این مقاله با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مشاهدات میدانی سعی شده است به دسته‌بندی دلایل ایجاد مطالبات غیرجاری در بانک‌ها پرداخته و در پایان راهکارهایی برای نقش‌آفرینی در برون‌رفت از این وضعیت به مسئولین سازمان بازرسی کل کشور پیشنهاد شود.

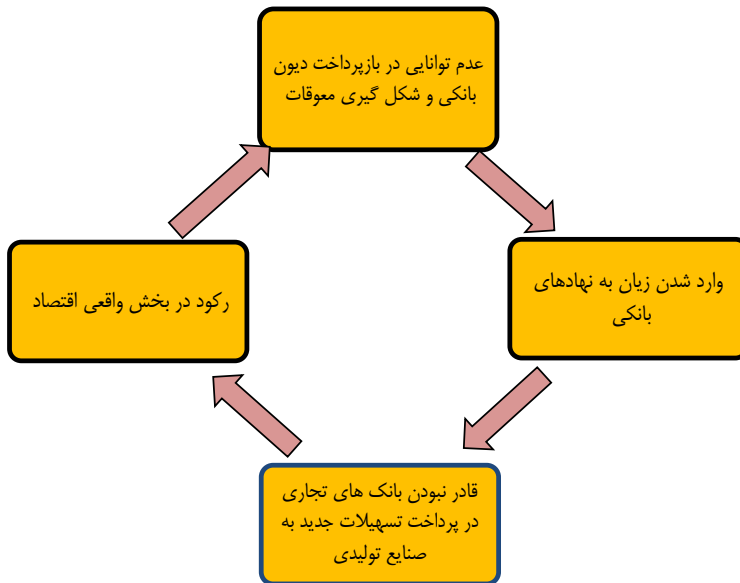
مبانی نظری

درخصوص شکل‌گیری معوقات بانکی می‌توان به دو دسته از نظریات اشاره کرد که مورد اول نقش شرایط اقتصاد کلان را در شکل‌گیری معوقات بانکی مورد کندو کاو قرار می‌دهد و دسته دوم به نظریه‌پردازی در حوزه‌ی رفتار داخلی بانک می‌پردازد. مبانی نظری مرتبط با شرایط کلان اقتصادی عمدتاً بر پایه نظریه دوره تجاری^۱ استوار است. طبق این نظریه، اقتصاد کشورها چرخه‌های رونق و رکود را به‌صورت مداوم طی می‌کنند. در دوره‌های رونق به دلیل مناسب بودن وضعیت درآمدی خانوارها، توان پرداخت دیون بانکی بالا بوده و مطالبات معوق کمتری شکل می‌گیرد، اما در شرایط رکود به دلیل وضعیت نامناسب تولید و درآمد پایین، توان کافی برای پرداخت دیون توسط خانوارها وجود نداشته و مطالبات معوق ایجاد می‌گردد. البته زیاده‌روی در اعطای تسهیلات و تساهل بیش‌ازحد در اخذ وثایق در دوره‌ی رونق توسط بانک‌ها با هدف کسب سود بیشتر از دلایل اصلی شکل‌گیری مطالبات معوق و ورود به دوره رکود است (کافمن^۲، ۱۹۹۸).

1 - Trading Cycle

2 -Kaufman

همچنین نظریه شتاب‌دهنده^۱ به رابطه بین بازار مالی و بخش واقعی اقتصاد می‌پردازد. براساس این نظریه وقوع رکود در بخش واقعی اقتصاد باعث ایجاد دیون معوق در نهادهای مالی و بانک‌ها شده و از طرفی بحرانی شدن شرایط نهادهای بانکی به دلیل زیان حاصل از شکل‌گیری معوقات باعث می‌گردد که بانک‌های تجاری قادر نباشند تسهیلات جدید به بخش تولید پرداخت نمایند و این امر تعمیق رکود در بخش واقعی اقتصاد را در پی خواهد داشت که این چرخه موجب شکل‌گیری رکود مزمن خواهد شد (کردبچه، ۱۳۹۰).



شکل ۱- نظریه شتاب‌دهنده و چرخه تعمیق رکود

علاوه بر شرایط اقتصاد کلان، نظریات مختلف دیگری به نظام و ساختار درونی بانک به‌عنوان دلایل شکل‌گیری معوقات می‌پردازند.

دسته‌ای از مبانی نظری، موضوع کژمنشی^۲ (مخاطره اخلاقی) را پیش می‌کشند. بر طبق این نظریه رفتار تسهیلات‌گیرنده قبل و بعد از دریافت وام به‌صورت منفی تغییر می‌کند، بدین ترتیب که تسهیلات‌گیرنده قبل از اخذ وام و در مقطع پیگیری فرآیند اعطای تسهیلات با ارایه آمار و علایم مثبت سعی دارد خود را یک مشتری خوش‌حساب و قابل اعتماد جلوه دهد. بانک نیز به دلیل کامل نبودن اطلاعات در مورد مشتری در اعتبارسنجی دچار اشتباه

1 - Accelerator theory

2 - Moral Hazard

می‌گردد. پس از اخذ وام رفتار مشتری تغییر کرده و رفتارهای مخاطره‌آمیز غیرقابل‌پیش‌بینی انجام می‌دهد که ریسک معوق شدن مطالبات را بالا می‌برد. این نظریه که در صنعت بیمه کاربرد بیشتری دارد راهکارهایی از قبیل نظارت مستمر بر تسهیلات‌گیرنده پس از اعطای تسهیلات و اعمال شروط و بندهای بازدارنده در متن قرارداد تسهیلاتی را به منظور جلوگیری و یا کاهش آثار کژمنشی پیشنهاد می‌دهد.

همچنین نظریه‌ای توسط آلن و گال^۱ (۲۰۰۰) ارائه گردیده که معتقد است در یک سیستم بانکی غیرمتمرکز به دلیل رقابت فزاینده بین بانک‌های متعدد، احتمال پذیرش ریسک بالا و در نتیجه شکل‌گیری معوقات بیشتر است. هرچند نظریه‌های مخالفی نیز وجود دارند که کمتر شدن نرخ بهره و قوی‌تر بودن نظام اعتبارسنجی در سیستم غیرمتمرکز را باعث کاهش ریسک نکول در این سیستم نسبت به نظام متمرکز می‌دانند.

ساختار مالکیت دولتی به‌عنوان یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری معوقات مطرح می‌گردد. در این ساختار به دلیل فقدان عملکرد بهینه اقتصادی و کارایی پایین و همچنین اختصاص یارانه و کمک‌های دولتی، انگیزه‌ی کافی برای پیگیری معوقات و پیشگیری از وقوع آن‌ها وجود ندارد. مخالفان این نظریه معتقدند در جوامع با فساد بالا، بانک‌های خصوصی متعلق به خانواده‌ها و جریان‌های سیاسی خاص بوده و پول‌شویی در این بانک‌ها امری رایج است و وام‌های باریسک بالا در این بانک‌ها به اشخاص و جریان‌های همسو با آن‌ها پرداخت می‌گردد (هیو، ۲۰۰۴).

ضعف مدیریتی نیز دلیل دیگری است که موجب شکل‌گیری معوقات بانکی می‌شود. عواملی از قبیل ناتوانی در غربالگری^۲، اعتبارسنجی نادرست، ارزیابی نامناسب وثایق، نظارت ضعیف بر عملکرد وام‌گیرندگان و فرآیند ناکارآمد وصول مطالبات می‌تواند موجب بروز تسهیلات معوق گردد.

نظریه اقتصاد اطلاعات

یکی از نظریه‌های مهم مرتبط با ساختار درونی نظام بانکی، نظریه اقتصاد اطلاعات^۳ است. بر مبنای این نظریه در جهان امروز، اطلاعات از ارزش اقتصادی بسیار بالایی برخوردار است، چراکه داشتن اطلاعات صحیح و به‌هنگام به کنشگران اقتصادی این امکان را می‌دهد که با تصمیم‌گیری‌های درست بهترین انتخاب ممکن را انجام داده و عایدی و منفعت مورد انتظار خود را در آینده به حداکثر برسانند. در یک مبادله اقتصادی (برای مثال یک قرارداد تسهیلات بانکی)، دو طرف مبادله (بانک و تسهیلات‌گیرنده) اطلاعات متقارن و مشابهی از وضعیت و شرایط یکدیگر ندارند. تسهیلات‌گیرنده اطلاعات کاملی از توان بازپرداخت و خوش‌حسابی

1 -Allen & Gale

2 -Screening

3 - Information Economics

خود دارد ولی بانک چنین اطلاعاتی در مورد وی ندارد. هرچند بانک تلاش می کند با استفاده از روش های اعتبارسنجی اطلاعات خود را از طرف مقابل بالا ببرد ولی قطعاً هیچ گاه نخواهد توانست به میزانی که تسهیلات گیرنده از اعتبار خود آگاهی دارد، دست یابد.

با توجه به توضیحات ارایه شده رفتار دو طرف قرارداد به نوعی تعامل استراتژیک تبدیل می شود. معمولاً طرفی از قرارداد که اطلاعات کامل تری در اختیار دارد می خواهد از این برتری سوء استفاده کند. نظریه اطلاعات نامتقارن به دو نوع رفتار فرصت طلبانه در این شرایط اشاره دارد:

۱- کژگزینی (انتخاب بد)^۱

۲- کژمنشی

کژگزینی در مثال قراردادهای تسهیلاتی بانکی، مربوط به زمان قبل از انعقاد قرارداد و انتخاب مشتری است. در این وضعیت وام گیرنده اطلاعات کاملی از وضعیت نامناسب اعتباری خود دارد و همچنین می داند که بانک از این وضعیت نامناسب بی اطلاع است. از این رو وام گیرنده با پنهان نگه داشتن اطلاعات خود یک قرارداد اشتباه را به بانک تحمیل می کند و در واقع با این شرایط یک کژگزینی (انتخاب بد) توسط بانک صورت گرفته است. راهکاری که بانک باید در راستای جلوگیری و یا کاهش انتخاب های بد انجام دهد در اصطلاح اقتصادی «غربالگری» نامیده می شود. غربالگری شامل جمع آوری اطلاعات اضافی در مورد مشخصات مشاهده نشده طرف مقابل است. این کار در اصطلاح فنی - بانکی اعتبارسنجی نامیده می شود. یکی از نتایج کژگزینی و غربالگری ضعیف شکل گیری مطالبات معوق است، چراکه در نتیجه غربالگری ضعیف و به دلیل داشتن اطلاعات ناقص، احتمالاً مشتری از وضعیت اعتباری مناسب برخوردار نبوده و تعهد درونی نسبت به پرداخت به موقع دیون خود ندارد.

اما کژمنشی زمانی پیش می آید که قرارداد تسهیلاتی منعقد شده و انتخاب مشتری صورت گرفته است. در این شرایط ممکن است تسهیلات گیرنده با بهره گیری از عدم نظارت مستقیم بانک سعی کند بخش هایی از قرارداد را که به زیان اوست انجام ندهد. به عنوان مثال ممکن است تسهیلات گیرنده وام دریافتی را در محلی غیر از موضوع ذکر شده در قرارداد که دارای ریسک بالایی باشد، هزینه کند.

بانک از روش های نظارت بر مصرف برای جلوگیری از این سوء استفاده بهره می گیرد. هرچقدر توانایی و پیگیری بانک در نظارت بر مصرف صحیح تسهیلات بالاتر باشد امکان کژمنشی کاهش می یابد. در صورت نظارت ضعیف بانک، ممکن است تسهیلات گیرنده با انجام رفتارهای پر ریسک احتمال زیان فعالیت و نکول مطالبات بانک را بالا ببرد.

توانایی پایین مدیریت بانک در دو مقوله غربالگری و نظارت بر مصرف موجب بالا رفتن ریسک اعتباری و احتمال شکل‌گیری مطالبات معوق خواهد شد. بالا بودن غیرمتعارف نرخ سود تسهیلات در نظریات دیگری به‌عنوان دلیل معوق شدن مطالبات برشمرده می‌شود. بر این مبنای، وقتی بانک سود تسهیلات خود را بالا می‌برد مشتریانی که به کسب و کارهای با ریسک کم و سود پایین‌تر مشغول هستند انگیزه‌های برای دریافت وام ندارند ولی افراد ریسک‌پذیری که به فعالیت‌های پر ریسک می‌پردازند و یا به اشتباه سود فعالیت خود را بالاتر از میزان واقعی برآورد کرده‌اند اقدام به دریافت تسهیلات با نرخ سود بالا می‌نمایند؛ به دلیل بالا بودن ریسک این دسته از مشتریان احتمال معوق شدن مطالبات بالا می‌رود. در واقع با بالا رفتن نرخ سود تسهیلات، به‌طور خودکار مشتریان خوش حساب از رده خارج شده و فقط مشتریان پر ریسک و دارای رتبه پایین اعتباری باقی می‌مانند.

پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی متعددی در داخل و خارج کشور در زمینه بررسی علل شکل‌گیری معوقات بانکی انجام شده است که در ادامه به برخی از موارد مهم و مرتبط اشاره می‌گردد. کیتون و موریس^۱ (۱۹۸۷) در مطالعه خود با اندازه‌گیری اولیه‌ی زیان وام‌ها با استفاده از زیان مربوط به مطالبات معوق، نشان دادند که شرایط اقتصاد داخلی همراه با عملکرد ضعیف بخش‌های خاص، علل اصلی تفاوت در زیان وام‌ها است.

کیتون (۱۹۹۰) در بررسی خود در بانک‌های آمریکا نشان می‌دهد که رشد سریع حجم اعتبارات با استانداردهای پایین اعتباری به زیان بیشتر وام‌ها در بخش‌های خاص از ایالات متحده منجر شده است.

برگر و دی‌یانگ^۲ (۱۹۹۷) در تحقیق خود مدعی شدند در بانک‌هایی که سرمایه محدودی دارند نگرانی کمتری نسبت به ورشکستگی وجود دارد و این امر خود موجب شکل‌گیری کژمنشی می‌شود. در این حالت با افزایش سهم وام‌های با ریسک بالا در بانک، احتمال معوق شدن تسهیلات افزایش می‌یابد.

کروگمن^۳ (۱۹۹۸) در بررسی بحران مالی آسیا، به این نتیجه رسید که تضمین بازپرداخت تسهیلات توسط دولت تایلند، موجب پذیرش مشتریان با ریسک بالا و کژگزینی توسط بانک‌ها شده است و این امر را مسبب اصلی بحران دهه ۹۰ در جنوب شرق آسیا برمی‌شمرد. کاف و همکاران^۴ (۲۰۰۲) در بررسی ورشکستگی نظام بانکی آرژانتین عوامل خاص بانکی و عوامل کلان اقتصادی را مؤثر دانستند.

1-Keeton and Morris

2 -Berger A.N and R. De young

3 - Krugman, Paul

4 - Bercoff, et al

سالاس و سارینا^۱ (۲۰۰۲) نتیجه گرفتند که عواملی از قبیل رشد تولید ناخالص داخلی^۲، رشد سریع اعتبارات، اندازه بانک، نسبت سرمایه، قدرت بازاری، ساختار مالکیت و عملکرد بانک (به عنوان شاخصی از کیفیت مدیریت) منجر به شکل گیری معوقات بانکی می شوند. میکو و همکاران^۳ (۲۰۰۴) با استفاده از نمونه ای متشکل از ۱۱۹ کشور و ۵۰۰۰ مؤسسه اعتباری نشان دادند که رابطه مستقیمی بین مالکیت دولتی و حجم مطالبات معوق وجود دارد. فوفک^۴ (۲۰۰۵) با مطالعه بر روی چند کشور آفریقایی نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز واقعی، حاشیه سود خالص و وام های بین بانکی از جمله عوامل شکل گیری مطالبات معوق در این کشورها هستند.

در سال های اخیر و با جدی تر شدن بحث مطالبات معوق در کشور، مطالعات و تحقیقات متعددی با رویکردهای مختلف در این زمینه صورت گرفته که در ادامه به تعدادی از مهم ترین تحقیقات انجام شده اشاره می گردد:

آقای میرمجتبی هاشمی نودهی (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته ی تسهیلات در بانک مسکن» نتیجه گرفته است که عدم توسعه هماهنگ سیستم آماری آن بانک هم زمان با توسعه ی شبکه ای و همچنین واقعیت های اقتصادی جامعه نظیر تورم، نرخ سود بانکی و نرخ بهره در بازار دلایل اصلی شکل گیری مطالبات معوق است.

علی نجفی (۱۳۷۹) در پایان نامه ای با عنوان «نقد و بررسی روش های وصول مطالبات معوق بانکی از دیدگاه حقوقی» مدعی شد که تسهیلات تکلیفی نسبت به سایر تسهیلات، دارای معوقات بیشتری است.

سوسن حبیبی (۱۳۸۱) در پایان نامه ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت به موقع تسهیلات بانک کشاورزی» نتیجه گرفت که افزایش شاخص بهای نهاده های کشاورزی و عدم افزایش شاخص بهای عمده فروشی کالاهای کشاورزی موجب عدم بازپرداخت تسهیلات در سررسید آن می گردد.

غلامحسین نقی تاج و حمیدرضا نجف پور کردی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راهکارهای پیشگیری و کاهش آن» طی یک مطالعه آماری نتیجه می گیرند که عواملی از قبیل نبود آموزش مناسب، فقدان برنامه ریزی بلندمدت و عدم بهره گیری از شیوه های نوین اعتبارسنجی موجب شکل گیری وضعیت کنونی مطالبات معوق شده است.

1 -Salas & Saurina

2 -Gross domestic product

3 -Micco et al

4 -Fofack

پیمان نوری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان بررسی نقش بحران‌های مالی بر شاخص‌های کلیدی بانک‌ها، با عطف بر بحران مالی اخیر آمریکا تأکید نموده‌اند که کژگزینی بانک‌ها به دلیل نرخ بهره بالا، از جمله مهم‌ترین عوامل بالا رفتن مطالبات بانکی است. شاپور رضایی و یوسف محمدی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد مطالبات معوق در بانک‌ها (مطالعه موردی بانک مهر اقتصاد استان آذربایجان شرقی)»، با استفاده از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پرونده‌های تسهیلاتی مشتریان به این نتیجه رسیدند که عواملی از قبیل نوع وثیقه، مبلغ تسهیلات، نوع تسهیلات (عقد)، مدت زمان اعتبار پرداختی، موارد استفاده از تسهیلات و نوع فعالیت اقتصادی در ایجاد مطالبات معوق بانکی مؤثرند.

حمید کردبچه و لیلا پردل‌نوش آبادی (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران»، به بررسی عوامل ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری در صنعت بانکداری ایران پرداخته‌اند. آن‌ها با برآزش یک مدل رگرسیونی اقتصادسنجی^۱ نتیجه گرفتند که کارایی عملیاتی، رفتار احتیاطی و نوع مالکیت بانک‌ها و همچنین شرایط اقتصاد کلان، متغیرهای تعیین‌کننده و معنادار در توضیح مطالبات معوق هستند.

امیر محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با موضوع «شناسایی و اولویت‌بندی موانع وصول معوقات بانکی با استفاده از مدل ترکیبی دیمتل شبکه‌ای و ویکور» عواملی از قبیل عدم اخذ ضامن معتبر، عدم ثبات اقتصادی کشور، عدم اخذ وثیقه مناسب، عدم تعیین صلاحیت مشتری و ناکافی بودن اطلاعات بانک مرکزی را در شکل‌گیری مطالبات معوق تأثیرگذار دانسته‌اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی بوده و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. روش تحقیق تحلیل استنتاجی و توصیفی است.

دسته‌بندی دلایل شکل‌گیری مطالبات معوق

در این بخش با استفاده از بررسی مطالعات و تحقیقات قبلی صورت گرفته و همچنین بررسی تعدادی از پرونده‌های مربوط به مطالبات معوق بانک‌های استان همدان دلایل اصلی شکل‌گیری مطالبات معوق جمع‌آوری و استخراج شده و به دو بخش اصلی تقسیم‌بندی گردیده است:

۱- عوامل بیرونی

۲- عوامل درونی

دسته اول حاصل سیاست‌های کلان اقتصادی بوده و قسمتی از آن نیز ناشی از ماهیت و

ریسک طبیعی در اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری است. مواردی از قبیل تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی، افزایش غیرقابل پیش‌بینی نرخ ارز، اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی، افزایش غیرمنتظره هزینه‌های کسب‌وکار برای تسهیلات‌گیرندگان (ناشی از هدفمند شدن یارانه‌ها) و ... در این خصوص قابل ذکر است. عواملی مثل فوت تسهیلات‌گیرنده، به‌وجود آمدن مشکلات حقوقی برای مشتری، اختلاف شرکا و ... را نیز می‌توان جزو علل بیرونی دسته‌بندی نمود. بخشی از این عوامل طبیعی حاصل ریسک نرمال در کسب‌وکار است که در تمام صنایع و کشورها وجود دارد و امروزه به‌عنوان یک مبحث علمی و فنی با عنوان مطالعات ریسک و نااطمینانی در ارزیابی پروژه‌های اقتصادی گنجانده می‌شود؛ اما باید توجه داشت که میزان ریسک حاصل از این عوامل در کشور ما به سبب شرایط خاص سیاسی و اقتصادی به مراتب بالاتر از متوسط جهانی است و به دلیل وابستگی بیش‌ازحد به واردات و ارز، تأثیرپذیری از شرایط سیاسی بین‌المللی و عدم ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی (مثل تورم)، بخش تولید، آسیب‌پذیری و ... حساسیت بالایی در این زمینه دارد. استفاده از راهکارهایی برای اتکا به ظرفیت‌های درونی اقتصاد و تحقق محورهای اقتصاد مقاومتی که نتیجه آن کاهش وابستگی مستقیم شرایط اقتصادی داخلی با رویکردها و تحولات سیاسی بین‌المللی است، می‌تواند موجب کمتر شدن اثر این بخش در شکل‌گیری مطالبات معوق شود.

بخش دوم شامل هر دلیلی به‌جز عوامل دسته اول است که در واقع حاصل رفتارهای انحرافی و غیربهبینه مسئولین حوزه‌ی پولی و بانکی در رده‌های بالا و میانی است. این بخش که بدون شک باید مورد توجه و واکاوی بیشتر قرار گیرد، شامل مواردی به شرح زیر است:

- فقدان نظام کنترل داخلی مناسب در بانک‌ها
- نگاه متضاد دولت و سیستم بانکی به مقوله‌ی اعطای تسهیلات
- نگاه مسئولین سیاسی به بانک‌ها به‌عنوان حیاط خلوت و صندوق تأمین منابع
- عدم پیش‌بینی مقررات و قانون‌های مناسب و قابل اجرا
- رانت‌جویی به‌جای انتخاب بهینه مشتری
- تفاوت معنی‌دار نرخ سود بانکی با نرخ سود در بازار
- عدم قبول مسئولیت توسط مدیران میانی و رده‌پایین و عدم توزیع مناسب اختیارات و مسئولیت‌های مدیران
- سازوکار سنتی بانک‌ها
- عدم آموزش مناسب کارکنان بانک
- فقدان نظام جامع اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مشتریان
- فقدان واحدهای حرفه‌ای و تخصصی وصول مطالبات

- شخصی‌نگری و نگرش کوتاه‌مدت مدیران بانکی
 - نبود سازوکار قانونی مناسب
 - عدم نظارت صحیح و مستمر بر مصرف تسهیلات
 - ارزیابی غیر کارشناسی وثایق
 - تمدید و امهال تسهیلات معوق در موارد غیر ضروری
 - روند طولانی و پیچیده اعطای مجوز به واحدهای تولیدی و تجاری
- همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد عوامل متعدد و مختلفی موجب رشد غیرطبیعی میزان مطالبات معوق و بروز وضعیت کنونی در سیستم بانکی گردیده است. بدون تردید با اندکی تغییر نگرش و تدبیر امور به راحتی می‌توان جلوی بروز بسیاری از این مطالبات را گرفت و در آینده شاهد کاهش چشمگیر در میزان آن بود. در ادامه به‌طور مجزا به شرحی کوتاه در مورد مهم‌ترین عوامل ذکر شده خواهیم پرداخت.
- ۱- فقدان نظام کنترل داخلی مناسب در بانک‌ها: تحقیقات کمیته جهانی نظارت بانک‌ها نشان می‌دهد که ریشه‌ی بخش اعظم بحران‌های داخلی بانکی نبود سیستم مناسب و کارآمد کنترل داخلی است. در واقع سیستم کنترل داخلی کارا، قادر است جلوی بروز بسیاری از مشکلات و بحران‌ها را گرفته و یا به‌سرعت آن‌ها را شناسایی و چاره‌اندیشی نماید. نظام کنترل داخلی بانک‌ها با مشکلاتی از قبیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب، عدم استفاده از سیستم‌های نوین رایانه‌ای، عدم بازرسی و حسابرسی دقیق، مستمر و به‌هنگام، همسو بودن منافع شخصی مسئولین کنترل داخلی با مدیران بانکی، اهمال و سهل‌انگاری مسئولین مربوط و ... مواجه است.
 - ۲- نگاه متضاد بانک‌ها و دولت به مقوله اعطای تسهیلات: از دیدگاه اقتصادی بانک، تسهیلات باید به محلی اعطا شود که بالاترین میزان سود و کمترین میزان ریسک را دارا باشد؛ اما سیاست‌های دولت‌های اخیر (در راستای رونق تولید)، مبتنی بر اعطای تسهیلات به صنایع و کسب‌وکارهای بحران‌زده برای رونق بخشیدن به تولید و خروج از رکود است. بدیهی است که این قبیل صنایع و کسب‌وکارها دارای ریسک بالا و بازدهی پایین بوده و اجبار و تکلیف بانک‌های دولتی برای اعطای تسهیلات با مقررات جاری به این کسب‌وکارها در اغلب موارد منجر به شکل‌گیری مطالبات معوق و حتی سوخت‌شده می‌گردد.
 - ۳- نگاه برخی مسئولین سیاسی و اقتصادی به بانک‌ها به‌عنوان صندوق تأمین منابع: متأسفانه برخی از مسئولین کشوری و استانی، بانک‌های دولتی را به‌عنوان صندوق شخصی خویش قلمداد نموده و به‌منظور حمایت از افراد و جریان‌های موردنظر خود، برای اعطای تسهیلات بدون ضوابط و تشریفات قانونی لازم به بانک‌ها فشار می‌آورند که این‌گونه اعمال نفوذها در بیشتر موارد موجب تشکیل پرونده‌های تسهیلاتی معوق و غیرقابل وصول می‌گردد (امانی، ۱۳۹۴).

۴- عدم پیش‌بینی قوانین و مقررات مناسب و اجرایی: قوانین موجود در مواردی موجب تضاد در عملکرد و کاهش کارایی بانک می‌گردد. تضاد بین قوانین مالیاتی و بانکی، ابلاغ بخش‌نامه‌های نامناسب و متناقض، طولانی بودن روند قانونی وصول مطالبات و ... از این جمله‌اند.

۵- رانت‌جویی به جای انتخاب بهینه مشتریان (پررنگ بودن روابط نسبت به ضوابط): با بررسی اجمالی در پرونده‌های تسهیلاتی بانک‌های دولتی می‌توان پی برد که عامل اصلی موفقیت مشتری در اخذ تسهیلات کلان بانکی، برخورداری از روابط شخصی قوی و رانت است و نه داشتن اهلیت و اعتبار لازم و طی مقدمات قانونی؛ در واقع برخورداری از روابط قوی با اشخاص و جریان‌های ذی‌نفوذ به مراتب نسبت به مطابقت با ضوابط اجرایی مربوط از اهمیت بیشتری برخوردار است. همین امر موجب شکل‌گیری یک انحراف عظیم در اعطای تسهیلات بانکی و غیر بهینه نمودن فرآیند می‌گردد. واضح است اگر اعطای تسهیلات کلان تنها با اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مناسب و به‌روز صورت پذیرد؛ میزان مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول به مراتب کاهش خواهد یافت.

۶- تفاوت معنی‌دار نرخ سود بانکی با نرخ سود در بازار: به دلیل پایین بودن نرخ سود بانکی در مقایسه با نرخ بهره در بازار، عملاً تسهیلات‌گیرنده انگیزه‌ی اقتصادی برای تسویه‌ی تسهیلاتی که حتی مشمول نرخ جریمه معوق نیز است، ندارد. چراکه طبق منطق اقتصادی عدم تسویه تسهیلات نه تنها هیچ هزینه فرصتی برای تسهیلات‌گیرنده ندارد، بلکه از محل تفاوت سود بانکی با نرخ بهره بازار، فرصت کسب منفعت نیز برای تسهیلات‌گیرنده ایجاد می‌شود (امانی، ۹۴).

۷- عدم قبول مسئولیت از طرف مدیران میانی و رده‌پایین و عدم تفویض اختیارات: مدیران رده‌های پایین و میانی معمولاً در قبال مطالبات معوق پاسخ‌گو نمی‌باشند. چراکه در اکثر موارد اعطای تسهیلات را خارج از حیطه اختیارات خود دانسته و مدعی هستند که بنا به سفارش‌ها و توصیه‌ها و یا مصوبات مقامات بالاتر اقدام به اعطای تسهیلات نموده‌اند. مقامات بالا نیز در اغلب موارد از مصونیت‌های خاص برخوردارند که همین امر موجب می‌شود هیچ فرد خاصی در قبال معوق شدن تسهیلات پاسخ‌گو نباشد. در مواردی نیز مقطع زمانی اعطای تسهیلات مربوط به سال‌های گذشته و مدیران سابق بوده است که مدیران فعلی در قبال معوق شدن این دسته از تسهیلات پاسخ‌گو نیستند. عملاً یکی از معضله‌های بزرگ، وجود وقفه چندین ساله برای مشخص شدن آثار تصمیم‌های صحیح یا غلط در حوزه‌ی پولی و بانکی است. به‌طور متوسط نتیجه یک سیاست و یا تصمیم در حوزه‌ی پولی و بانکی در یک بازه‌ی زمانی ۳ تا ۵ ساله مشخص می‌شود که با توجه به عمر کوتاه مدیران سیاسی و اقتصادی در رده‌های مختلف؛ در مقطع بروز نتایج یک سیاست و یا تصمیم، معمولاً مدیران مربوطه تغییر کرده‌اند و دیگر پاسخ‌گو نیستند.

۸- عدم ارایه آموزش لازم به کارکنان بانک‌ها: در بسیاری از موارد کارکنان بانک‌ها از آموزش لازم در راستای تشکیل پرونده تسهیلاتی مطابق با دستورالعمل‌ها و قوانین مربوط برخوردار نیستند که این امر نیز موجب تشکیل پرونده‌های مشکل‌دار و بروز مشکلاتی از جمله ایجاد مطالبات معوق می‌گردد.

۹- فقدان نظام جامع اعتبارسنجی مشتریان: در شرایط کنونی نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مشتریان همان روش معمولی و سنتی استعلام‌های چک برگشتی و بدهی معوق و... است. اقدامات فوق هرچند ضروری هستند اما با توجه به شرایط و معادلات پیچیده اقتصادی امروزه قطعاً کافی نخواهند بود. استعلام‌ها و اعتبارسنجی‌هایی که در حال حاضر در سیستم بانکی صورت می‌گیرد گذشته‌نگر است، درحالی‌که تسهیلات در آینده بازپرداخت خواهد شد. در این راستا ابتدا باید بررسی کرد که آیا طرح کسب و کاری که مشتری برای آن درخواست اخذ تسهیلات نموده است از توجیه فنی و اقتصادی، ارزیابی و مطالعات و تخمین بازار، تخمین هزینه و درآمد (حداقل برای پنج سال آینده) برخوردار است یا خیر. ارایه طرح‌های کسب و کار^۱، احراز اهلیت و توانایی مشتری در اجرای طرح موردنظر، توانایی وی در کسب سهم بازار، وجود مطالعات بازار به صورت علمی با محاسبه‌ی ریسک‌های موجود و وجود سازوکار راهبری شرکت^۲، از مواردی است که می‌تواند توانایی مشتری در بازپرداخت تسهیلات را ارزیابی کند، لذا در زمان اعطای تسهیلات کلان برای طرح‌های کسب و کار لازم است مطالعات و موارد فوق توسط مشتری تهیه شده و به بانک ارایه گردد.

۱۰- سیاست‌های نادرست دولتی: در یک دهه‌ی اخیر، دولت قصد داشت با ارایه تسهیلات آسان، گامی در راستای رونق تولید بردارد. در همین راستا با معرفی اشخاص حقیقی و حقوقی برای دریافت تسهیلات، بانک‌های عامل را مکلف به پرداخت تسهیلات بدون مقدمات و شرایط لازم کرد؛ اما به دلیل مناسب نبودن سایر زمینه‌ها برای ایجاد کسب و کار و یا عدم تجربه و تخصص کافی تسهیلات‌گیرنده، بسیاری از این طرح‌های اقتصادی به شکست انجامید و در نهایت موجب ناتوانی مجریان طرح‌ها در بازپرداخت به موقع تسهیلات گردید.

۱۱- روند طولانی و پیچیده‌ی اعطای مجوز به واحدهای تولیدی و تجاری: در مواردی گیرندگان تسهیلات به سبب طولانی شدن فرآیند اخذ مجوزهای لازم برای آغاز فعالیت، در بازه‌های زمانی مقرر به سوددهی و تولید انبوه موردنظر خود نمی‌رسند و از همین رو از پرداخت به موقع تعهدات خود بازمی‌مانند.

۱۲- عدم نظارت صحیح و مستمر بر مصرف تسهیلات: در شرایطی که نظارت مؤثری بر مصرف تسهیلات وجود نداشته باشد، ممکن است تسهیلات‌گیرنده وام دریافتی را در

1 - Business Plan

2 - Corporate Governance

طرح‌هایی غیر از طرح عنوان شده در قرارداد هزینه کند که دارای ریسک بالا بوده و احتمال شکست طرح و معوق شدن تسهیلات را بالا ببرد.

۱۳- ارزیابی غیر کارشناسی وثایق: از معضلات عمده‌ای که بانک‌ها با آن روبه‌رو هستند ارزیابی غیر کارشناسی وثایق تسهیلات است. در بسیاری از موارد ارزش وثایق بسیار بالاتر از ارزش واقعی آن برآورد می‌شود و این امر در هنگام اقدام اجرایی، باعث بروز مشکل کسری وثیقه می‌گردد.

۱۴- تمدید و امهال تسهیلات در موارد غیر ضروری: با شدیدتر شدن بحران مطالبات معوق در سال‌های اخیر، مواد قانونی به‌منظور بخشش دیرکرد تسهیلات، امهال و یا تمدید این دسته از مطالبات پیش‌بینی و وضع گردیده است؛ اما در عمل این مواد قانونی تنها منجر به تغییر سرفصل مطالبات معوق شده و کمکی به بهبود وضع بانک و بدهکاران بانکی نمی‌کند. حتی در مواردی این مواد قانونی باعث ایجاد آرامش خاطر و انگیزه برای مشتریان بدحساب بانکی برای عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات به امید استفاده از این راهکارهای قانونی می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

میزان کنونی مطالبات معوق در کشور حدود سه تا چهار برابر استانداردهای جهانی بوده و رقم این مطالبات باعث بلوکه شدن ۲۰٪ نقدینگی کشور گردیده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که وضعیت مطالبات معوق در نظام بانکی تبدیل به معضل اساسی شده و باید با قید فوریت در پی ارائه راهکارهای عملی برای برون‌رفت از این بحران بود. جمع‌بندی مطالب عنوان شده نشانگر این است که عامل اصلی شکل‌گیری وضع فعلی مطالبات معوق وجود اشکالاتی است که در مرحله قانون‌گذاری و اجرا به وجود آمده و می‌توان با انجام اصلاحات اساسی در فرآیند اعطای تسهیلات از مرحله پذیرش و شناسایی مشتری تا روند پیگیری وصول مطالبات ظرف مدت کوتاهی شاهد کاهش چشمگیر در میزان مطالبات بود. در این راستا و با توجه مباحث ذکر شده پیشنهادهایی به برنامه‌ریزان و مدیران سازمان بازرسی کل کشور به منظور نقش‌آفرینی مؤثر در فرآیند مقابله با این معضل ارائه می‌گردد:

۱- بدهی است که سازمان بازرسی کل کشور به دلیل محدود بودن منابع انسانی و کمبود زمان قادر نخواهد بود نظارت مستمر و ریزبینانه بر روند اعطای تسهیلات در تمامی بانک‌ها داشته باشد. سیستم‌های کنترل داخلی بانک‌ها به دلیل محدودتر بودن دایره نظارتی و آشنایی نزدیک با شرایط بانک، بی‌شک در این زمینه مؤثرتر خواهند بود. لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان بازرسی کل کشور از طریق ارتباط مستمر با مسئولین کنترل داخلی بانک‌ها و نظارت بر حسن عملکرد این نهادها، امکان بررسی دقیق مطالبات معوق در تمامی بانک‌ها را فراهم نماید. همچنین استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای در راستای انتقال و تبادل اطلاعات بین بانک و سازمان می‌تواند در این امر مؤثر باشد.

- ۲- اعمال نظارت دقیق بر تمامی تشریفات و الزام‌های قانونی برای جلوگیری از سهل‌انگاری و استفاده از نفوذ و روابط شخصی در اعطای تسهیلات؛
- ۳- بازخواست جدی از مدیران میانی و سابق که در فرآیند اعطای تسهیلات معوق نقش آفرینی داشته‌اند؛
- ۴- تعریف محورهایی به‌منظور بررسی نحوه‌ی اعتبارسنجی مشتریان در بازرسی‌های برنامه‌ای؛
- ۵- نظارت دقیق و جدی بر نحوه‌ی کارشناسی و قیمت‌گذاری وثایق؛
- ۶- نظارت مستمر در زمینه مطابقت محل مصرف تسهیلات با طرح مصوب در قرارداد؛
- ۷- بررسی و پیگیری نحوه‌ی پذیرش و اعطای تسهیلات تکلیفی و همچنین بررسی دلایل تعیین اشخاص مشمول برای برخورداری از این دسته تسهیلات؛
- ۸- نظارت موردی بر نحوه‌ی تشکیل پرونده‌های تسهیلاتی کلان.

فهرست منابع:

- ۱- امانی، علی (۱۳۹۴)؛ «وام‌های معوق، زمینه‌های شکل‌گیری و راه‌های برون‌رفت»، نشریه حسابداری، شماره ۲۷۶ و ۲۷۷.
- ۲- تقی‌تاج، غلامحسین (۱۳۹۲)؛ «بررسی علل افزایش معوقات بانک نمونه و راهکارهای پیشگیری و کاهش آن»؛ نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- ۳- حسن‌زاده، علی و حبیبی، پیمان (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی مطالبات معوق و راهکارهای پیشگیری آن در سیستم بانکی»؛ نشریه تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۳۰ صص ۹۸-۱۰۴.
- ۴- رستمیان، فروغ و طبعی، داوود (۱۳۸۹)؛ «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری مناطق آزاد تجاری- صنعتی (مورد مطالعه شعب بانک ملت در منطقه آزاد کیش)»؛ نشریه پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)؛ دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- ۵- رضایی، شاپور و پاشازاده، یوسف (۱۳۹۳)؛ «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق در بانک‌ها (مطالعه موردی بانک مهر اقتصاد استان آذربایجان غربی)».
- ۶- کردبچه، حمید و پردل‌نوش‌آبادی، لیلا (۱۳۹۰)؛ «تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال شانزدهم، شماره ۴۹، صص ۱۱۷-۱۴۹.
- ۷- محمدزاده، امیر؛ عطایی، محمد و سلیمی، حسین (۱۳۹۲)، «شناسایی و اولویت‌بندی موانع وصول معوقات بانکی با استفاده از مدل ترکیبی دیمتل شبکه‌ای و ویکور»؛ فصلنامه مدیریت توسعه و تحول؛ شماره ۱۶؛ صص ۱۵-۲۶.
- ۸- «مطالبات بانکی، علل و راهکارها»؛ گزارش نظرسنجی از هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی،

صنایع، معادن و کشاورزی ایران، بهمن ماه سال ۱۳۹۲.
 ۹- نوری، پیمان؛ قادری، امید و مدنی اصفهانی، محبوبه (۱۳۸۸) «بررسی نقش بحران‌های مالی بر شاخص‌های کلیدی بانک‌ها»، مقاله ارایه شده در بیستمین همایش بانکداری اسلامی، شهریور ماه سال ۱۳۸۹.

10- Bercoff, Jose J. Julian Di & Franque Grimard (2002), "Argentinean banks, credit growth and the tequila crisis. A duration analysis" (unpublished).

11- Berger, A.N & R.Deyung, (1997) "problem loans cost efficiency in commercial banks", journal of banking and finance, No 21, pp 849-870.

12- Fofack, Hippolyte (2005), "Non-performing loans in sub-Saharan Africa, causal analysis and micro economic implications", world bank policy research, working paper No, 3769, November 2005.

13- Hu, Jin Li Yang Li & chin Yung-Hu (2004) "ownership and Non-performing loans. Evidence from Taiwan Banks". Developing economies; vol42. No 4. Pp.405-420.

14- Jimenez, Gabriel and Jesus Saurina (2005), "credit cycles, credit risk, and prudential regulation. Are capital controls enough?" American Economic Review. vol 90, No, 1, pp 147-165.

15- Keeton, William R. and Charles S. Morris (1987), "why do banks loan losses differ?" federal reserve bank of Kansas city, economic review. May, pp 3-21.

16- Krugman, Paul (1998), "what happened to Asia?", 'web.mit.edu'

17- Salas Vincente, and Jesus Saurina (2002), "credit risk in 2 institutional regimes Spanish commercial and saving banks" Journal of financial services research. Vol.22, No.3, pp 203-24.

18- Sinkey Joseph F. and Mary B. Greenwalt (1991) "loan-loss experience and risk-taking behavior at large commercial banks" journal of financial services research No 5, pp 43-59.

19- Micco A. Panizza U. m.yanez (2004), "Bank ownership and performance", inter American development bank" working paper No 518.